

[دوشنبه 16 اردیبهشت 1398-30 شعبان 1440-6 می 2019](#)

آغاز نخست وزیری "علی امینی" مهره سرسپرده طاغوت (1340 ش)



آغاز نخست وزیری "علی امینی" مهره سرسپرده طاغوت (1340 ش)

به دنبال استعفای دولت جعفر شریف امامی، با مقدماتی که از قبل تدارک دیده شده بود، شاه فرمان نخست وزیری را با اختیارات کامل به نام دکتر علی امینی صادر کرد و او با پشتیبانی و حمایت آمریکا، زمام امور را در دست گرفت. مقدمات نخست وزیری علی امینی از بعد از کودتای 1332 فراهم شد. او با سمت وزیر دارایی در کابینه سپهبد زاهدی، رئیس هیئت نمایندگی ایران در مذاکرات نفت بود. از این لحاظ علی امینی نزد خارجیان و به ویژه آمریکاییان، مقام و موقعیت ویژه ای پیدا کرد. او بعدها سفیر ایران در آمریکا شد. وی با جلب حمایت دموکرات‌های آمریکا و پس از پیروزی آنان در انتخابات، توانست علی‌رغم میل شاه به نخست وزیری دست یابد. در واقع او برگزیده حزب دموکرات آمریکا بود و شرط اصلی قبول این سمت از جانب او مبتنی بر این اصل بود که شاه چون طبق قانون اساسی از مسؤلیت مبرا است و فقط حق سلطنت دارد، بنابراین باید در امور کشور دخالت نکند. امینی سپس از شاه انحلال مجلس شورای ملی و سنا را درخواست نمود و شاه در نوزدهم اردیبهشت به این خواسته او تن داد. دوران نخست وزیری امینی سرانجام پس از چهارده ماه در 27 تیرماه 1341 به پایان رسید.

د گذشت "شیخ الحدیث، ابن علی، سینا" فیلسوف و دانشمند بزرگ مسلمان (9428 هـ)، حسین ابن عبدالله بن سینا ملقب به شرف الملک و معروف به شیخ الرئیس، ابن سینا و حجة الحق، از بزرگ‌ترین اطباء نامی و اعظم فلاسفه و حکمای اسلامی اوایل قرن پنجم هجری است. وی در سوم صفر سال 370 ق در بلخ به دنیا آمد. قبل از ده سالگی قرآن را حفظ کرد و در اندک زمانی، ادبیات، علوم دینی، حساب، هندسه، منطق، جبر، هیئت و علوم عقلی و نقلی را فرا گرفت و قبل از 20 سالگی بر تمام معلمین و اساتید خود برتری یافت. مهارت فوق العاده‌ای ابن سینا در طب و معالجات شگفت‌آور؛ آوری که از وی ذکر شده، بسیار تعجب برانگیز است. ابن سینا، علی‌رغم زندگانی ناآرام و پرحادثه‌ای خود، اندیشمند و نویسنده‌ای پرکار بوده است. آن‌چه از نوشته‌های خرد و کلان وی بر جای مانده است، نماینده‌ای ذهنی فعال و پویاست که گویی در هر شرایطی، حتی در سخت‌ترین و توان فرساسترین آن‌ها، از فعالیت و خلاقیت باز نمی‌آید؛ ایستاده است. از ابن‌سینا بیش از یکصد و سی اثر علمی در موضوعات مختلف از قبیل فلسفه، عرفان، الهیات، منطق، طب، ادبیات و... بر جای مانده است که اشارات، قانون، الحاصل و الموصول، شیفا، عیون الحکمه، و ده‌ها کتاب دیگر از آن جمله است. ابن سینا در اواخر عمر به سبب اختلافی که با سلطان وقت پیدا کرد، مدتی فراری بود، هرچند قبل از آن روزگاری به وزارت نیز رسیده بود. وفات وی در سال 428 قمری به بیماری قولنج که خود در معالجه‌ای مهارت فراوان داشته، در 58 سالگی، روی داد. مقبره‌ای ابن سینا در همدان در میدانی به همین نام واقع است. تهلد "ابن خلدون" مورخ مشهور مسلمان در تونس، (732 ق)

ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون از اندیشمندان بلند پایه‌ای دنیای اسلام است که به دلیل نگارش کتاب معروف "مقدمه" به عنوان بنیانگذار جامعه‌شناسی علمی شناخته شده است. وی در 16 سالگی به سبب پایگاه اجتماعی خانواده‌اش و آمادگی علمی خود، توانست از دانشمندان برجسته‌ای دربار سلطان مغرب بهره گیرد. ابن خلدون در 21 سالگی به خدمت دولت درآمد و به کارهای سیاسی پرداخت، اما در سال 765 به کلی از سیاست و امور حکومتی روی گردان شد و پس از آن به کارهای علمی روی آورد. به طور کلی زندگی ابن خلدون را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد که بخش اول آن صرف آموختن علوم مختلف شد. در دومین بخش، بیشتر به فعالیت‌های سیاسی پرداخت و مسؤلیت‌های متعددی را به عهده گرفت، اما با سعایت و بدگویی دیگران به زندان افتاد و پس از رهایی، گوشه‌گیری اختیار کرد. از این زمان بود که دوره‌ای ابن‌سینا را می‌توان به فعالیت‌های علمی و تحقیقی و تألیفی است. در این دوره بود که اندیشه‌های نگارش تاریخ در ابن‌سینا ایجاد شد. کتاب "العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و العجم و البربر" اثر ابن‌سینا است که بخش اول این کتاب "مقدمه" نام دارد که به نام مقدمه‌ای ابن‌سینا معروف شده است. ابن خلدون در زمان خود به تاریخ‌نگاری و تاریخ اندیشی شهره بود اما با همه‌ای تأثیری که در افزایش توجه به تاریخ در مصر در سده‌های هشتم و نهم هجری قمری داشت، اندیشه‌هایش در روزگار خود او بازتاب کافی نیافت و هیچ یک از شاگردان او، راهش را در این زمینه ادامه ندادند. لیکن اندیشه‌های بدیع و عمیق او در زمان و مکانی دیگر جلب نظر کرد و از قرن سیزدهم هجری، نام، آثار و افکار او، سخت مطرح شد و پژوهش‌های بسیاری را به خود اختصاص داد. ابن مورخ مشهور مسلمان در سال 808 ق در 76 سالگی درگذشت. تهلد "بگمهند فهد" مورخ مشهور مسلمان در سال 1856 م)

زیگموند فروید، روان‌کاو معروف اتریشی در 6 مه 1856م از پدر و مادری یهودی در چکسلواکی به دنیا آمد و در چهارسالگی به همراه خانواده‌اش به وین در اتریش رفت. وقتی که فروید دوران دبیرستان را به پایان رسانید، میل به شناخت انسان، او را به سوی آموزش تحقیق در علم فیزیولوژی و کالبدشناسی کشاند و برای این منظور، در هفده سالگی در دانشکده پزشکی ثبت نام کرد. فروید در ابتدا تمایلی به طب نشان نمی‌داد و به تحقیق خالص علمی علاقه بیشتری داشت. باین حال از 29 سالگی کار خود را به عنوان طبیب متخصص اعصاب آغاز کرد و پس از چندی در درمان بیماری‌های روانی و نیز در رشته روان‌شناسی تبحر پیدا کرد. از سال 1895م تا پایان عمر، فروید، سخت به کار دانش نوین روان‌شناسی و روان‌کاوی مشغول بود. او نظریه‌ها و عقیده‌های خود را بر تجربه‌هایی که از درمان بیماران خویش به دست می‌آورد پایه‌گذاری نمود. فروید به این نکته پی برد که نتایج آزمایش‌های بالینی بیماران روانی برای تشخیص بیماری کافی نیست و تنها کاربرد جراحی و میکروسکوپ نمی‌تواند همه مسائل مغز را بگشاید. شیوه‌ای که فروید برای بهبود این بیماران ابتکار کرد این بود که در حالی که بیمار در حال استراحت مطلق و هوشیار بود از او می‌خواست افکاری که از مغزش می‌گذرد مسلسل‌وار به زبان آورد. این شیوه که عبارت از کشاندن اندیشه از ضمیر ناخودآگاه به ضمیر آگاه است، به زودی به نام تحلیل روانی یا روان‌کاوی معروف شد. وقتی فروید برای اولین بار تئوری خود را مطرح نمود، دنیا با ضربه عظیمی مواجه شد و هنگامی که وی در سال 1896م، منشأ اختلالات روانی را ناکامی‌های جنسی عنوان کرد، روان‌شناسان سراسر دنیا را به واکنش علیه خود واداشت. منتقدان فروید نسبت به آراء او که خواهان آزادی مفرد جنسی بود اعتراض می‌کردند و معتقد بودند که این مسئله، تمام موضوعات زیبای این دنیا هم‌چون معصومیت دوران کودکی را زیر سؤال می‌برد. مسئله دیگری که مورد اعتراض قرار گرفت، دخالت فروید در امور شخصی بیماران بود. میراث فروید، بحث و جدال بسیاری را برانگیخت و تا سال‌های متمادی، یافته‌های او مورد نقد و بررسی پژوهشگران، دانشجویان و حتی انسان‌های عادی قرار گرفت. فروید منشأ اندیشه‌ها و رفتار انسان را ضمیر ناخودآگاه وی می‌داند و ریشه بسیاری از دردها و عقده‌ها را، در واپس زدگی‌های دوران کودکی می‌شمارد. در سال 1938م که نهضت نازیسم از مرزهای آلمان تجاوز کرد و اتریش را فرا گرفت، فروید یهودی، به همراه دخترش به انگلستان پناهنده شد. وی در آنجا به عضویت انجمن سلطنتی انتخاب گشت و سرانجام در 23 سپتامبر 1939م در 83 سالگی بر اثر حمله قلبی درگذشت. جسد فروید را بنا به وصیت خودش سوزاندند و تبدیل به خاکستر کردند. از زیگموند فروید آثار متعددی برجای مانده که آینده یک توهّم، آشوب تمدن، روان‌شناسی توده و تعبیر رؤیا از آن جمله‌اند.